



DANA

موانع بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در ایران

# آداب دیپلماسی علمی

اکوسیستم آموزش عالی ما چقدر پذیرای دانشجویان و استادان خارجی است؟

◀ **دکتر عباس قنبری باستان\***

عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران و راینز علمی سابق ایران در شرق آسیا

برای **کشوری با موقعیت ژئوپلیتیک ایران و توانمندی‌های بالقوه‌ای که در حوزه‌های علمی و فناوری دارد، ظرفیت و پتانسیل بالایی برای بین‌المللی‌سازی بخصوص در حوزه آموزش عالی** وجود دارد، اما سؤال اصلی این است که آیا ما و مجموعه حکمرانی آموزش عالی کشور (اعم از بازیگران خرد و کلان) برای بین‌المللی‌سازی آماده هستیم؟
**رصد وضعیت فعلی نشان می‌دهد که ما هنوز در درون – یا اصطلاحاً در خانه – آماده بین‌المللی‌سازی نیستیم. واقع ما ادعای «مهباشدن» و «مهیا بودن» را داریم، اما این آمادگی صرفاً از لنز نگاه خودمان است و با واقعیات بیرونی سازگار نیست. اگر خودمان را در جای یک ذنیفج خارجی برای ورود به اکوسیستم آموزش عالی قرار دهیم، مشاهده خواهیم کرد که دیوارهای بلندی یکی پس از دیگری سد راهمان است.**

برای بین‌المللی‌سازی آموزش عالی، قبیل از آنکه ما نگاه‌مان و انتظارمان معطوف به معجزه از بیرون باشد، باید «در درون» و «از درون» اقدام کنیم و «نگاه و بینش بین‌المللی» را در تمامی فرایندها و مکانیسم‌های جاری و ساری در اکوسیستم آموزش عالی- از جمله در بخش‌های دخیلی که بیرون از مجموعه‌های آموزش عالی هستند- لحاظ کنیم.

۱-واقعیتی که وجود دارد این است که ما در عرصه بین‌المللی‌سازی خیلی معطوف و به‌صورت تکنیکال جلو رفته‌ایم و عمده اقدامات و فعالیت‌ها به صورت موازی‌کاری و در قالب تعریف بازیگران خرد و کلان متعهد (بخصوص تشکیل کمیسیون‌ها و کارگروه‌ها و کمیته‌های متعدد) خلاصه شده است. در عمل خروجی و برآیند چنین رویکردی نیز تاکنون جزو تدوین

## «مزار شهدا» پناهگاه هویتی مردم ایران

◀ **مهدی جمشیدی**

جامعه‌شناس و عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

در اندیشه مقام معظم رهبری، مؤلفه‌های هویتی مردم ایران سه ضلع دارد: «اسلام»، «عقیه تاریخی» و «انقلاب». رکن نخست، مؤلفه هویتی ما بنا بر تعریف رهبر معظم انقلاب «اسلام» است؛ دینی که تمام ساحت و شئون زندگی ما را درنوردید و همه حرکات و اعمال مردم را به رنگ ارزش‌های خود درآورد. البته ما داوطلبانه این دین را پذیرفتیم و به همین دلیل، تمام بخش‌های مختلف زندگی‌مان به واسطه دین اسلام معنا پیدا کرده است و خودمان را با ارجاع به آن تفسیر و تعریف می‌کنیم.

دومین لایه هویتی ما «عقیه تاریخی» است و این بدان معنا است که جامعه ایران، جامعه‌ای ریشه‌دار است که با مفصل‌بندی‌های دیرینه دارد. ملتی است که در پهنای تاریخ روان شده و تا به امروز امتداد پیدا کرده است. و سومین لایه هویتی ما «انقلاب» است. واقعیت این است که با پیروزی انقلاب اسلامی، انقلاب، لایه‌ای از مختصات هویتی مردم را به خود اختصاص داد و ارزش‌های آن به بخشی از ارزش‌های عمومی مردم بدل شد. از این رو، هر اتفاقی که در افق تاریخی انقلاب اسلامی رخ می‌دهد را می‌توان با ارجاع به این اضلاع و لایه‌های هویتی تفسیر و معنا کرد. از جمله این رخدادهای فرهنگی حرکت خودجوش مردم ایران در شب‌های قدر و حضور یافتن بر سر مزار شهدا است. گویی مردم در این حرکت خودجوش، بهترین جایی که رنگ و معنا و معنویت می‌دهد را «مزار شهدا»



منفی، اما باز انتخاب فرهنگی مردم نشان می‌دهد که ارزش‌های اسلامی و انقلابی در جامعه ما تا چه اندازه مستحکم، ریشه‌دار و عمیق است، وگرنه در اثر آن ضربه‌ها و تکانه‌ها بارها و بارها از دست رفته و کنار گذاشته شده بود.

واقعیت این است که بخشی از هویت‌ها، قشری، تزیینی و ظاهری‌اند و به‌تلنگری بند هستند و با وزیدن نسیمی فرومی‌پاشند اما با این حال هیچ حادثه‌ای نمی‌تواند تعلق و پیوند مردم به شهدا را خشه‌دار کند و بین مردم و شهدا فاصله بیندازد. شاهد این مدعا، حضور میلیونی مردم در جریان تشییع پیکر شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید محسن حججی است؛ اینها همگی نشان از عمق هویتی جامعه ما است.

حاضر شدن مردم بر مزار شهدا نشان می‌دهد که هویت ریشه‌دار فرهنگی ما «اسلامی-انقلابی» است و نه فقط اسلامی. گاه شنیده می‌شود که برخی از تحلیلگران با سوگیری عنوان می‌کنند که جامعه ایران،

بین‌المللی است.

با برجام یا بدون برجام جدید، بین‌المللی‌سازی فرصتی است که همواره بوده، هست و خواهد بود. صدها هزار دانشجوی متقاضی خارجی، هزاران پژوهشگر و محقق مشتاق، همچون دسته‌های پرنده مهاجر، آگاهانه و مشتاقانه دنبال لاله‌زارهای بکر و جدید و آرام برای فرود آمدن و کسب تجربه‌های جدید هستند. اما هیچ‌یک از آنان در زمین‌های پر از سنگ و پر از دست‌انداز فرود نمی‌آیند. نه فقط میلیون‌ها دلار و یورو، بلکه میلیون‌ها ین، دینار و یوان و رینگیت نیز برای سرمایه‌گذاری و کاشت در زمینه‌های پژوهشی و تحقیقاتی متعدد وجود دارد، اما قطعاً هیچ‌کس در زمین نامطمئن بذر نمی‌کارد.

■ **تغییر الگوی بین‌المللی‌سازی در سایه تحولات فناوریانه**

هشدار مهمتر و البته بسیار جدی‌تر اینکه تحت‌تأثیر تحولات فناوریانه، اساساً الگوی بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در حال تغییر است و تحول پارادایمی مهمی در حال اتفاق افتادن است. در حالی که تا همین سه چهار سال پیش عمده کشورهای پیشگام و قطب‌های آموزشی دنبال جذب دانشجو و تبادل دانشجو و فرصت مطالعاتی اساتید و اعضای هیأت علمی و کسب درآمدهای سرشار از این طریق بودند؛ امروزه ترند اصلی بر «جذب شبکه‌ای فناوری و نوآوری» متمرکز است.

به عبارتی، امروزه و در حالی که هزاران دانشجوی بین‌المللی آماده مهاجرت هستند، اما کشورهای پیشرفته و قطب‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آموزشی به جای جذب دانشجو یا به جای جذب یک استاد، دنبال جذب «شبکه‌های فناوریانه و نوآوری» علمی هستند. این در نوع خود زنگ خطری هم هست؛ چرا که اکنون این کشورها به جای یک نفر، به شبکه‌های نوآوری و فناوری از جمله استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان و… طمع‌ورزی می‌کنند و به قول معروف نه فقط صرفاً خروجی دانشگاه‌ها، بلکه تمامی ظرفیت‌ها و شبکه‌های علم و دانش متصل به آنها را هدف گرفته‌اند و اگر غفلتی در این زمینه صورت گیرد، بزودی باید شاهد خروج این شبکه‌های نوآور و فنآور (بخوانید آتش همراه با ظرف آتش) نیز از کشور باشیم.

در این شرایط به نظر می‌رسد دو راهکار اصلی برای بین‌المللی‌سازی می‌توان در نظر داشت:

۱- اینکه همچنان به تلاش برای بازیگری و تبدیل شدن به بخشی از اینکارات بین‌المللی فقلی در نظام آکادمی جهانی تلاش کنیم که این رویکرد، دست‌کم در کوتاه مدت، علاوه بر چالش فقدان آمادگی درونی، با چالش‌های بیرونی همچون تحریم‌های ناعادلانه نیز مواجه است.

۲- اینکه خودمان در حوزه‌های نفوذ و پیرامونی و در گستره حوزه‌های علمی و دانشگاهی متعدد دست به «استانداردسازی‌های» خلاقانه و مبتکرانه

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir



■ **هشدار مهم و البته بسیار جدی اینکه تحت‌تأثیر تحولات فناوریانه، اساساً الگوی بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در حال تغییر است. امروزه در حالی که هزاران دانشجوی**

بین‌المللی آماده مهاجرت هستند، اما کشورهای پیشرفته و قطب‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آموزشی به جای جذب دانشجو یا به جای جذب یک استاد، دنبال جذب «شبکه‌های فناوریانه و نوآوری» علمی هستند. این در نوع خود زنگ خطری است؛ چرا که اکنون این کشورها به جای یک نفر، به شبکه‌های نوآوری و فناوری از جمله استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان و… طمع‌ورزی می‌کنند و به قول معروف نه فقط صرفاً خروجی دانشگاه‌ها، بلکه تمامی ظرفیت‌ها و شبکه‌های علم و دانش متصل به آنها را هدف گرفته‌اند.

■ **بین‌المللی‌سازی فرصتی برای اکوسیستم آموزش عالی ما است. صدها هزار دانشجوی متقاضی خارجی، هزاران پژوهشگر و محقق مشتاق، همچون دسته‌های پرنده مهاجر، آگاهانه و مشتاقانه دنبال لاله‌زارهای بکر و جدید و آرام برای فرود آمدن و کسب تجربه‌های جدید هستند، اما هیچ‌یک از آنها در زمین‌های پر از سنگ و پر از دست‌انداز فرود نمی‌آیند. نه فقط میلیون‌ها دلار و یورو، بلکه میلیون‌ها ین، دینار و یوان و رینگیت نیز برای سرمایه‌گذاری و کاشت در زمینه‌های پژوهشی و تحقیقاتی متعدد وجود دارد، اما قطعاً هیچ‌کس در زمین نامطمئن بذر نمی‌کارد.**

■ **تغییر الگوی بین‌المللی‌سازی در سایه تحولات فناوریانه**

بزنیم و آنها را به عنوان الگوهای منطقه‌ای و در درآمدت الگوهای بین‌المللی به جامعه جهانی معرفی کنیم. اگر بگوییم در هر دو رویکرد ناموفق بوده یا بسیار کمتر از حد انتظار عمل کرده‌ایم، قضاوت ناعادلانه‌ای نخواهد بود. در حالی که به‌طور قطع تحریم‌های ناعادلانه بخشی از دلایل این عدم موفقیت یا ظاهر شدن در سطح کمتر از انتظار بوده است؛ اما بخش مهم دیگری از علت‌ها و زمینه‌های این ناکامیابی را باید در همان «قصور و فقدان آمادگی» در درون دانست.

■ **بین‌المللی‌سازی در خانه**

از منظر حکمرانی، راهبری هر دو رویکرد پویایی و ظرافت خاصی را می‌طلبد. برای موفقیت در آنها باید شعار «بین‌المللی‌سازی در خانه» را در پیش گرفت و با رصد دقیق و دائمی تغییرات و تحولات پارادایمی در عرصه بین‌المللی‌سازی، مجدانه و هدفمند در راستای بسترسازی و زمینه‌سازی مناسب و نرم و چابک در اکوسیستم آموزش عالی تلاش کرد. باید در جزء- و جزء- و تمامی حلقه‌های اکوسیستم آموزش عالی به «تخریب خلاقانه» روی آورد. از چابک‌سازی فرایندها و مکانیسم‌های اداری از طریق حذف کارها، کارگروه و کمیته‌های (یا متعدد گرفته تا یکپارچه‌سازی و ادغام یا رویکرد تسهیل‌گری) ده‌ها سند بالادستی و آیین‌نامه و دستورالعمل‌های متعدد،

تنها در این صورت می‌توان امید داشت که بتوان ظرفیت‌ها و فرصت‌های بالقوه منطقه‌ای و توسعه‌ای ارتباطات و چه بسا مهمتر اینکه حفظ کرد!

■ **پی‌نوشت:**
\* نویسنده کتاب «بین‌المللی‌سازی آموزش عالی: استراتژی‌ها، راهبردها و تکنیک‌ها در توسعه ارتباطات علمی» که این اثر در سال ۹۹ توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی منتشر شده است.

## یک تجربه معنوی متفاوت

◀ **دکتر اردشیر انتظاری**

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه‌طباطبایی

گاهی می‌شنویم یا می‌خوانیم که در جامعه ایران ارزش‌های ملی و سرزمینی تضعیف شده است این در حالی است که بارها جامعه‌شناسان و تحلیلگران اجتماعی ما، این ادعا را نقد کرده‌اند و برای نقض آن دلیل آورده‌اند از جمله، حضور پرشور مردم بر سر مزار شهدا در شب‌های قدر امسال بود که فیلم و خبر آن در شبکه‌های اجتماعی هم بسیار پربازدید شد. این حرکت خودجوش مردم به روشنی از برجستگی ارزش‌های دینی و عبادی در جامعه ایران خبر می‌دهد؛ جامعه‌ای که با وجود تنفس در فضای رسانه‌ای و جهانی شده امروز، هنوز پیوندهای خود را با ارزش‌های دینی و در کنار آن، ارزش‌های ملی و سرزمینی ما که شهدا هستند، حفظ کرده و می‌کوشند تا این وفوضا را از رهگذر آیین و مناسک دینی بهم پیوند زده و بدین واسطه بر هویت ایرانی – اسلامی خود تأکید گذارند. این حرکت خودجوش مردمی، از ساحت‌های مختلفی قابل تأمل است که در این گفتار تنها برخی معانی جامعه‌شناختی آن را بررسی می‌کنیم.
\*\*\*

چرا مردم در اقدامی خودجوش «مزار شهدا» را برای پاسداشت شب‌های قدر انتخاب کردند؟ در واقع خود نفس است «مکان» محل بحث ما است. به نظر می‌رسد مردم در این رخداد، از ارزش‌های دینی شهدا افرادی بودند که برای مردم و دفاع از آرمان‌های آن از جان خود گذشتند، از این ره مردم در حرکتی خودجوش در شب‌های قدر به «مزار شهدا» پناه می‌برند و این مکان را به‌عنوان «پناهگاهی برای عبادت» تلقی



می‌کنند و این شاخصه با کارکرد اجتماعی مناجات که همانا آرامش معنوی و ارتباط با معبود است، گره می‌خورد. ارتباط با ارواح مطهر شهدا نشان از این دارد که باور مردم به جهان پس از مرگ چقدر برجسته است؛ اینکه شهدا زنده‌اند و نزد خداوند روزی دارند. این اقدام، نشان می‌دهد که هنوز شهدا و ارزش‌هایی که شهدا برای آن از جان خود گذشتند در جامعه ایرانی زنده است و هنوز موضوعیت دارد.

یکی از کارکردهای شب‌های قدر این است که افراد را آماده می‌کند تا بتوانند نیازهای روحی و روانی خود را تأمین کنند و مزار شهدا یغوبی عرصه لازم برای تحقق این هدف را فراهم می‌کند. ویژگی‌هایی چون غیررسمی بودن و دوری از شیوه‌های مرسوم، تجربه معنوی ارزشمندی را برای افراد رقم می‌زند. البته این پوشش، منحصر به امسال نبود و در سال‌های گذشته هم این اقدام صورت می‌گرفت و شاید یکی از دلایل استقبال از این اقدام در امسال، به‌خاطر گزارش مردم از تجربه مطلوب‌شان در سال‌های گذشته باشد و شخنی‌شان سازگارتر است را انجام دهند.